

موانع غیر تعرفه‌ای در سازمان جهانی تجارت و ناهمسوئی این موانع در بازرگانی خارجی ایران

بیژن بیدآباد^۱

چکیده

در این مقاله به پاسخ این سؤال خواهیم پرداخت که آیا حذف موانع غیرتعرفه‌ای از تجارت خارجی ایران باعث بهبود وضعیت تجاری ایران می‌شود یا بالعکس اثر منفی بر تجارت خارجی ایران دارد. بررسی‌های انجام شده حاکی از آن است که جهت‌گیری منسجمی در موانع غیرتعرفه‌ای در تحدید واردات یا تشویق صادرات در ایران نمی‌توان پیدا نمود. به عبارت دیگر موانع غیرتعرفه‌ای در ایران اغلب در جهت‌های مخالف یکدیگر و خنثی کننده هم عمل نموده‌اند. لذا حذف موانع غیرتعرفه‌ای عملاً باعث بهبود بازرگانی خارجی ایران خواهد شد و کارائی سیستم تجاری را نیز افزایش می‌دهد. این سیاست تطبیق زیادی با مفاد موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی در رابطه با حذف موانع غیرتعرفه‌ای و تبدیل آنان به تعرفه دارد و یکی از موارد اجرائی لازم در مراحل پیوستن به سازمان تجارت جهانی می‌باشد. قابل ذکر است که در مجموع عملکرد موافقتنامه‌های WTO عملاً باعث شد تا کشورها در تبدیل موانع غیرتعرفه‌ای به تعرفه، حمایت از تولیدات داخلی خود را به شکل دیگری و با تبدیل موانع غیرتعرفه‌ای (NTMs) به اشکال خاصی از موانع فنی تجارت (TBTs) نظیر استانداردهای فنی و بهداشتی اعمال نمایند.

<http://www.bidabad.com>

bijan@bidabad.com

^۱ دکتر بیژن بیدآباد عضو هیئت علمی پژوهشکده پولی و بانکی.

از خانم سپیده اکبرپور که در تدوین این مقاله با نگارنده همکاری داشته‌اند سپاسگزاری می‌شود.

Non-Tariff Measures (NTMs) In World Trade Organization (WTO) And Their Opposite Directions in Iran's Foreign Trade

Bijan BIDABAD²

Abstract

In this paper we intend to examine the hypothesis of: deletion of non-tariff measures (NTMs) from Iran's foreign trade will promote commercial trade of Iran. The performed studies show there is no consolidate direction in Iran's NTMs to trade to promote exports or restrict imports of goods. That is, Iran's NTMs have trivial directions and are to somehow in opposite direction with each others that one counter-balance the effect of the other. And this is the case for majority of NTMs in Iran's foreign trade. Thus removing NTMs causes Iran's economy foreign trade promotion and increase trade efficiency and performance. This policy accords completely with World Trade Organization (WTO) agreements relating to removing NTMs and their replacement with tariffs. Joining WTO requires member countries accept this replacement of NTMs with tariffs. It should be noted that, performance of WTO agreements actually diverted countries trade protection policies from NTMs to some special kinds of technical barriers to trade (TBTs) like technical and health standards.

² Research professor of economics. Monetary and Banking Research Academy (MBRA). Central Bank of Iran.
Email: bijan_bidabad@msn.com.

بطور کلی موانع غیرتعرفه‌ای نسبت به تعرفه‌ها صدمهٔ زیادی به تجارت جهانی و تکتک کشورها وارد می‌آورد. موانع غیرتعرفه‌ای عموماً از لحاظ آثار قیمتی و حمایتی ناشفافند و سبب ایجاد انحراف در الگوهای تولید و مصرف و تجارت در اقتصاد می‌شوند. گرچه این موانع می‌توانند اثرات مطلوبی بر حمایت از تولیدکنندهٔ داخلی داشته باشند ولی براساس نظریات مختلف تجارت بین‌الملل می‌توان نشان داد که این محدودیتها عملاً باعث کاهش رفاه در جامعهٔ بین‌الملل خواهد شد. از طرفی طبیعت این موانع به گونه‌ای است که پایش یا مانیتور و کنترل آن مشکل است. با این حال به دلیل دیدگاههای حمایتی کشورها از صنایع داخلی همواره تمایل به وضع موانع غیرتعرفه‌ای مشاهده می‌شود. موفقیت‌های چشمگیر دور اروگوئه تحول زیادی در قواعد مربوط به رفع موانع غیرتعرفه‌ای ایجاد نمود^۳. علیرغم این موفقیتها همچنان نظام تجارت چندجانبه در استفاده از تعرفه متناسب با موانع غیرتعرفه‌ای دچار مشکل است. زیرا تعرفه، مرئی و به سهولت قابل مذاکره است ولی موانع غیرتعرفه‌ای دارای این ویژگی نیستند.

براساس موافقتنامه‌های دور اروگوئه مبنی بر تبدیل موانع غیرتعرفه‌ای در بازرگانی خارجی کشورها به معادل تعرفه‌ای آن، علی‌القاعده کشورهای عضو می‌بایست موانع غیرتعرفه‌ای خود را که به نحوی در بازرگانی خارجی مؤثر است از میان برداشته و با احتساب رقمی معادل حمایت ضمنی مرتبط با موانع غیرتعرفه‌ای مزبور ارقامی بعنوان تعرفه تعیین و در گمرکات خود اعمال نمایند. در این مقاله ضمن بررسی کلیات این موضوع از ابعاد مختلف به ارتباط موانع غیرتعرفه‌ای در ایران با یکدیگر خواهیم پرداخت. بدین منظور موانع غیرتعرفه‌ای بخش صنعت را برشمرده و با استفاده از اطلاعات سری زمانی زیر بخشهای مختلف صنعت از ابعاد صادرات و واردات همسو نبودن این موانع را بررسی خواهیم کرد. به عبارت دیگر می‌خواهیم بدانیم آیا همهٔ موانع غیرتعرفه‌ای اعمال شده در بازرگانی خارجی ایران در جهت تحدید یا تشویق واردات یا صادرات می‌باشند یا خیر. چنانچه موانع غیرتعرفه‌ای با هم همسو نباشند می‌توان براحتی استدلال کرد که حذف دسته جمعی این موانع باعث ایجاد اثر قابل توجهی در بازرگانی خارجی ایران نخواهد شد و بلکه کارائی بازرگانی خارجی را نیز افزایش خواهد داد.

موانع غیرتعرفه‌ای و سازمان جهانی تجارت

یکی از اهداف موافقتنامهٔ عمومی تعرفه و تجارت (گات) فراهم کردن محیطی با ثبات و قابل پیش‌بینی برای صنایع و بنگاه‌های بازرگانی کشورهای متفاوت است که در آن محیط بتوانند تحت شرایط رقابت عادلانه و برابر با یکدیگر تجارت کنند و انتظار می‌رود این نظام تجاری باز و آزاد از طریق افزایش تجارت بتواند سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال بیشتر را ترویج و بدین سان توسعه اقتصادی تمام کشورها را تسهیل نماید. درعین حال که این موافقتنامه خواستار تجارت آزاد است می‌پذیرد که کشورها از صنایع خود در مقابل رقابت خارجی حمایت کنند اما آنها را تشویق می‌کند تا این حمایت را در سطوح پایین و از طریق تعرفه‌ها اعمال

^۳ از این موفقیتها می‌توان تعرفه‌ای کردن موانع غیرتعرفه‌ای در بخش کشاورزی را نام برد. همچنین انجام برخی دیگر از اقدامات مشابه با فزبندی زمانی به تعویق افتادند و قرار شد تا اکثر ترتیبات محدودکنندهٔ سلیقه‌ای و سایر موانع مشابه شامل ترتیبات بازاریابی فرمایشی، مجوزهای واردات تبعیضی، رویه‌های پایش قیمت و همچنین اتحادیه‌های وارداتی اجباری ملغی و تا پایان سال ۱۹۹۹ میلادی متوقف شوند. در شرح سایر موارد مشابه و همچنین روند کاهشی استفاده از موانع غیرتعرفه‌ای نگاه کنید به: Bosworth (1999).

کنند و از محدودیت‌های کمی و غیرتعرفه‌ای در مورد واردات منع می‌نماید. مع‌هذا این قاعده تابع استثنائات معین است و یک استثناء مهم آن این است که به کشورهایی که مشکلاتی در تراز پرداختهای خود دارند اجازه می‌دهد تا برای تنظیم وضعیت مالی خارجی خود واردات را محدود کنند. در مقایسه با کشورهای توسعه یافته این استثناء انعطاف بیشتری را برای کشورهای در حال توسعه قائل می‌شود و به آنها اجازه می‌دهد از محدودیت کمی بر واردات نیز استفاده نمایند به شرط آنکه برای جلوگیری از کاهش جدی ذخایر پولی آنها ضروری باشد. بدین ترتیب بسیاری از کشورهای در حال توسعه علاوه بر تعرفه‌های بالا محدودیت کمی بر واردات در بخشهای کشاورزی و صنعتی اعمال می‌نمایند. مع‌هذا این محدودیت‌ها در اکثر موارد بر طبق استثنائات موجود بر قواعد مزبور از بعد حقوقی قابل توجیه بود.

سازمان جهانی تجارت توجه قابل ملاحظه‌ای را بر استفاده از محدودیت‌های کمی و سایر اقدامات غیرتعرفه‌ای مطرح نمود تا بلکه بتواند هرچه بیشتر این اقدامات را کمتر نماید. برای مثال در بخش کشاورزی، منسوجات و پوشاک طبق موافقتنامه‌های مربوطه، کشورهای عضو می‌بایست محدودیت‌های کمی و نظام‌های عوارض متغیر خود را کنار گذاشته و تعرفه‌ها را جایگزین آنها سازند. گرچه علاوه بر موارد فوق موافقتنامه‌گات ۱۹۹۴ قویاً کشورهای عضو را تشویق می‌کند تا حتی برای حفظ وضعیت ترازپرداخت‌های خود از محدودیت‌های کمی استفاده نکنند و در این راستا از کشورهای عضو اعم از توسعه یافته و یا در حال توسعه می‌خواهد که در این قبیل شرایط اقدامات مبتنی بر قیمت (نظیر مالیات اضافی بر واردات و الزام سپرده واردات) را بر محدودیت‌های کمی ترجیح دهند تا تأثیر آنها بر قیمت محصولات وارداتی شفاف و قابل سنجش باشد و تنها در وضعیت حاد ترازپرداخت‌ها به محدودیت‌های کمی متوسل شوند آن هم در شرایطی که تصور شود اقدامات مبتنی بر قیمت نتواند باعث بهبود تراز پرداخت‌های کشور شود.

دیگر قاعده مهم گات این بود که تعرفه‌ها و سایر اقدامات غیرتعرفه‌ای برای حمایت از تولید داخلی باید کاهش یافته و در صورت امکان از طریق مذاکرات کشورهای عضو حذف شود و تعرفه‌هایی که بدین صورت کاهش یافته‌اند باید تثبیت شوند و دیگر افزایش نیابند. هر کشور عضو براساس جدول جداگانه‌ای متعهد است تعرفه یا سایر حقوق گمرکی یا هزینه‌هایی مازاد بر میزان توافق شده را وضع ننماید. همچنین اقداماتی نظیر وضع محدودیت‌های کمی که ارزش امتیازات تعرفه‌ای را کاهش دهد نباید اتخاذ کنند.

اصل حاکم بر مبادله امتیازها در مذاکرات تصریح می‌نماید که کشورها در مذاکرات تجاری خود توافق می‌کنند تعرفه‌ها را کاهش داده و افزایش‌های بعدی تعرفه‌ها را منتفی و سایر موانع غیرتعرفه‌ای را حذف کنند. کشوری که از طریق کاهش تعرفه‌ها یا رفع موانع غیرتعرفه‌ای و محدودیت‌های کمی خواستار دسترسی بیشتری به بازار سایر کشورها است باید آماده باشد تا در تعرفه‌ها یا سایر زمینه‌هایی که کشورهای دیگر امتیازاتی داده‌اند، امتیازاتی اعطا کند. این قاعده «عمل متقابل کامل» بر مذاکرات فی‌مابین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه اعمال نمی‌شود و از کشورهای در حال توسعه خواسته می‌شود بر اساس «عمل متقابل نسبی» امتیازاتی را اعطا نمایند. قاعده عمل متقابل نسبی این واقعیت را مد نظر قرار می‌دهد که به دلیل نیازهای تجاری و مالی، کشورهای توسعه نیافته ممکن است قادر نباشند امتیازاتی را بر همان مینا به کشورهای توسعه یافته اعطا کنند. همچنین این قاعده از یک مفهوم تدریجی برخوردار است و تصدیق می‌کند که همچنانکه کشورهای در حال توسعه، به تدریج به مرتبه بالاتری از توسعه یافتگی می‌رسند، در نهایت ممکن است قادر باشند بر مبنای مشابه با کشورهای توسعه یافته امتیازات تعرفه‌ای اعطا نموده و تعهداتی را

بپذیرند. در دور اروگوئه تقریباً تمامی کشورهای در حال توسعه توافق نمودند تا با کاهش درصدی از تعرفه‌های خود امتیازاتی بدهند و مطابق اصل عمل متقابل نسبی این امتیازات با درصدی پایین‌تر از آنچه بر کشورهای توسعه یافته قابل اعمال است برای کشورهای در حال توسعه مقرر شد.

در خلال دور اروگوئه دو عامل سبب تمایل بیشتر کشورهای در حال توسعه برای اعطای امتیازات و پذیرش تعهدات بالاتر شد اول اینکه تعداد زیادی از این کشورها از لحاظ اقتصادی در آن سال‌ها رشد داشتند و دوم اینکه تغییر عمده‌ای در سیاست تجاری تقریباً تمامی کشورهای در حال توسعه صورت گرفته بود. زیرا در گذشته سیاست جایگزینی واردات را تعقیب و دیوارهای تعرفه‌ای بلندی ایجاد می‌نمودند تا تولید داخلی را حمایت نمایند بنابراین اعطای امتیازات به شکل کاهش تعرفه برای آنها مشکل می‌نمود ولی در حال حاضر این کشورها سیاست تشویق صادرات را پیگیری کرده، تعرفه‌ها را کاهش و موانع غیرتعرفه‌ای و محدودکننده واردات را حذف می‌کنند. این سیاست تجاری باز آنها را قادر ساخت تا شرایط چانه‌زنی خود را در مذاکرات با کشورهای توسعه یافته بهبود بخشند.

شرط معروف دولت کامله‌الوداد (MFN)⁴ اعلام می‌دارد اگر کشوری عضو سازمان تجارت جهانی به کشور دیگری هرگونه تعرفه یا امتیاز دیگری برای هر محصولی اعطا کند باید فوراً و بدون قید و شرط آن را به محصول مشابه سایر کشورها تعمیم دهد. تعهد تعمیم این رفتار نه تنها بر واردات بلکه بر صادرات نیز اعمال می‌شود.

اصل رفتار ملی کشورهای عضو را ملزم می‌کند تا با محصولات وارداتی رفتاری کاملاً یکسان و مشابه با کالاهای ساخت داخل داشته باشند. بدین ترتیب هیچ کشوری آزاد نیست بر محصول وارداتی که با پرداخت حقوق گمرکی به کشور وارد شده است مالیات‌های داخلی (مالیات بر فروش یا عوارض دیگر) با نرخ‌های بالاتر از آنچه بر محصولات داخلی مشابه اعمال نموده وضع نماید.

بنگاه‌های صادراتی عموماً تعرفه‌ها را بر محدودیت‌های کمی ترجیح می‌دهند زیرا تعرفه‌ها شفاف هستند و تأثیر آنها بر قیمت قابل پیش‌بینی است، همچنین استفاده از موانع غیرتعرفه‌ای و محدودیت‌های کمی موجب عدم اطمینان در تجارت می‌شود زیرا مقامات اداری (کشور واردکننده) میزان سهمیه‌ها یا موانع غیرتعرفه‌ای را هر وقت که مقتضی بدانند تغییر می‌دهند و اغلب به دلایل گوناگون واردکنندگان را مجبور به اخذ مجوز واردات می‌کنند و این قبیل موانع غیرتعرفه‌ای برای نظارت بر محدودیت‌های کمی در شرایط خاصی برای کشورهای عضو مجاز است و یا ممکن است برای نظارت بر آمارهای تجاری یا قیمت‌های برخی کالاها مورد استفاده قرار گیرد. موافقتنامه دور اروگوئه صدور مجوز واردات را رویه‌ای اداری تعریف می‌کند که مستلزم تسلیم یک تقاضانامه به اداره مربوطه به عنوان پیش شرط واردات کالا است. موافقتنامه اروگوئه نظام‌های صدور مجوز را به دو دسته اتوماتیک و غیراتوماتیک تقسیم می‌کند. در نظام اتوماتیک مجوزها بطور اتوماتیک و بدون در نظر گرفتن صلاحیت‌ها صادر می‌شود ولی در نظام غیراتوماتیک مقامات بازرگانی در اعطای مجوزها به صلاحیت خود عمل می‌کنند.

منع محدودیت بر واردات بر صادرات نیز اعمال می‌شود، معهداً استثنائات اندکی در این مورد وجود دارد. بدین ترتیب که کشورها آزادند تا صادرات را مشروط بر موارد زیر محدود یا ممنوع نمایند:

۱- اجرای استانداردها یا مقررات برای طبقه بندی، درجه بندی یا بازاریابی کالاهای تجاری بین‌المللی.

⁴ Most Favored Nations Treatment

۲- منع صادرات جهت برطرف کردن کمبودهای شدید مواد غذایی یا سایر محصولات اساسی. علاوه بر موارد فوق کشورها از وضع محدودیت بر صادرات در موارد ذیل منع می‌شوند:

۱- صدور مواد خام به منظور حمایت یا تشویق تولید داخلی.

۲- برای اجتناب از رقابت میان صادرکنندگان.

به خاطر الزام گات مبنی بر غیرتبعیضی بودن اقدامات حفاظتی، کشورها محدودیت‌های سلیقه‌ای صادراتی^۵ (VERs) یا ترتیبات (توافقات) بازاریابی فرمایشی^۶ (OMAs) را به وجود آوردند. طبق این ترتیبات کشورهای واردکننده از کشورهای صادرکننده‌ای که افزایش صادرات دارند می‌خواهند صادرات خود را تا سطح مورد توافق محدود نمایند. این ترتیبات و محدودیت‌ها تنها بر واردات برخی از کشورها اعمال می‌شود و با این قاعده که محدودیت بر واردات باید بر پایه غیرتبعیض‌آمیز اعمال شود ناسازگار است. هدف اصلی مذاکرات دور اروگوئه در این زمینه این بود که اقدامات محدودکننده نظیر محدودیت‌های سلیقه‌ای صادرات و سایر اقدامات تبعیض‌آمیز با اصول و قواعد گات سازگار باشد.

همچنین موافقتنامه اجازه می‌دهد که در شرایط استثنایی کشورهای عضو از قاعده عدم تبعیض عدول کنند و محدودیت‌های سهمیه‌ای را تنها در مورد یک یا چند کشور اعمال نمایند، مشروط به اینکه واردات از این کشورها نسبت به کل واردات محصول ذیربط در دوره نمونه رشد نامتناسبی را نشان دهد. این اقدامات حفاظتی را تنها باید تا میزانی اعمال نمود که برای جلوگیری یا جبران لطمه جدی و یا تسهیل روند وفق دادن ضروری باشد. کشورهای عضو بایستی جهت اتخاذ این قبیل اقدامات موافقت سازمان جهانی تجارت را اخذ کنند و در اعطای این تأییدیه انتظار می‌رود سازمان جهانی تجارت شرایط سختی را وضع نماید تا تضمین شود که محدودیت‌ها تنها برای دوره‌ای موقت هستند.^۷

بررسی‌های بعمل آمده حاکی از آن است که موانع غیرتعرفه‌ای^۸ OECD بطور قابل توجهی سهم بیشتر واردات از کشورهای در حال توسعه را نسبت به واردات از سایر کشورهای صنعتی متأثر می‌سازد. تقریباً ۱۸ درصد از صادرات غیرتعرفه‌ای کشورهای در حال توسعه مواجه با اقدامات غیرتعرفه‌ای است، در حالی که سهم مذکور برای واردات از OECD حدود ۱۰ درصد است. بین ۵۲ تا ۶۴ درصد از صادرات منسوجات و پوشاک کشورهای در حال توسعه در مقایسه با کمتر از ۱۰ درصد صادرات OECD از کالاهای مذکور مواجه با محدودیت است. نسبت‌های پوشش^۹ موانع غیرتعرفه‌ای برای صادرات چرم و کفش کشورهای در حال توسعه ۱۷ تا ۲۷ درصد بیشتر از محصولات کشورهای صنعتی است. محدودیت‌های سلیقه‌ای صادراتی و روش‌های مجوزهای خاص ورود عمدتاً دلیل اختلاف نسبت‌های یاد شده می‌باشد. نسبت‌های پوشش همواره برای کشورهای در حال توسعه بیشتر از کشورهای توسعه یافته نیست. به طور مثال در مورد اقلام غذایی نسبت پوشش برای کشورهای صنعتی ۲۸ درصد و برای کشورهای در حال توسعه ۱۸ درصد است. در کل از جمله محدودیت‌های عمده برای واردات، عوارض متغیر بر واردات است که در گروه مواد غذایی و خوراک با ۵۲ درصد

^۵ Voluntary Export Restrictions

^۶ Orderly Marketing Arrangements

^۷ نگاه کنید به راهنمای تجاری دور اروگوئه، مرکز تجارت بین‌الملل کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد و سازمان جهانی تجارت و دبیرخانه مشترک المنافع، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۵.

^۸ Organization for Economic Cooperation & Development

^۹ نسبت تجارت مواجه با اقدامات غیرتعرفه‌ای به میزان کل تجارت، نسبت پوشش (Trade Coverage Ratio) تعریف می‌شود. نگاه

کنید به: Bora, Kuwahara, Laird (2002)

از کل پوشش موانع غیرتعرفه‌ای تجارت را شامل می‌شود. پس از آن محدودیت‌های کمی با پوشش ۳۰ درصد تجارت و سایر اقدامات کنترل قیمت (مانند حداقل قیمت‌های واردات) ۱۷ درصد از کل تجارت را پوشش می‌دهند.^{۱۰}

تبدیل موانع غیرتعرفه‌ای از طریق تعرفه‌ای کردن با توجه به اختلاف واقعی بین قیمت‌های داخلی و خارجی صورت می‌گیرد. تفاوت بین قیمت‌های داخلی و خارجی کالاها یعنی شکاف قیمت ایجاد شده معرف تعرفه برحسب مقدار بوده و درصد اختلاف بین آنها معادل تعرفه ارزشی است که جانشین موانع غیرتعرفه‌ای خواهد شد. تعرفه ارزشی یا حمایت ضمنی مرتبط با موانع غیرتعرفه‌ای از تقسیم اختلاف قیمت محصول در بازار داخلی و قیمت کالاهای وارداتی شامل تعرفه و هزینه حمل cif به قیمت کالاهای وارداتی با همان شمول ذکر شده بدست می‌آید. قیمت‌های خارجی مورد استفاده برای محاسبه تعرفه ارزشی و تعرفه‌ای کردن موانع غیرتعرفه‌ای برابر است با متوسط ارزش cif واحد واردات برای کشور واردکننده و هرگاه متوسط ارزش cif واحد در دسترس نبوده یا مناسب نباشد میتوان از متوسط ارزش fob واحد از کالای یک یا چند صادرکننده عمده مناسب و با افزودن برآوردی از هزینه‌های بیمه و حمل و نقل و دیگر هزینه‌های مربوط به کشور واردکننده و یا تبدیل قیمت‌های خارجی به پول داخلی با استفاده از متوسط نرخ ارز سالانه بازار، استفاده نمود. قیمت‌های داخلی نیز به صورت قیمت عمده فروشی رایج در بازار تعریف می‌شود. Deardorff and Stern (1998) اصول راهنمای زیر را برای اندازه‌گیری موانع غیرتعرفه‌ای برمی‌شمارند^{۱۱}:

- اندازه‌گیری اثر موانع غیرتعرفه‌ای باید به گونه‌ای باشد که میزان معادل تعرفه را برحسب قیمت‌های داخلی کالاهای تجاری نشان دهد.
 - تنها اثرات مستقیم بر قیمت‌های داخلی باید برای محاسبه تعرفه معادل استفاده شوند.
 - یک روش یکتا که بتوان بعنوان روش قابل اتکا برای اندازه‌گیری تعرفه معادل موانع غیرتعرفه‌ای در تمام بخشها بکار گرفت وجود ندارد.
 - جایگزین برای برخی موانع غیرتعرفه‌ای خاص وجود ندارد.
 - تأکید اصلی می‌بایست بر روشهایی باشد که اطلاعات خود را از داده‌های منتج از بازار می‌گیرند تا از برآوردهائی از داده‌ها.
 - در عمل بسیاری موانع غیرتعرفه‌ای وجود دارند که نمی‌توان برای آنها روشهای با کیفیت مناسب برای معادلسازی تعرفه پیدا نمود.
 - با توجه به نااطمینانی مرتبط با اندازه‌گیری معادل تعرفه موانع غیرتعرفه‌ای بهتر است نتایج درون یک فاصله اعتماد تقریبی ارائه و تحلیل شوند.
 - بهتر است برآوردهای تعرفه معادل برای ریزترین سطح ممکن اقلام کالاها محاسبه شوند.
- به هر حال با توجه به شرایط موجود کشورهای جهان در عملکرد به موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی باید اذعان نمود که هنوز موانع زیادی بر سر راه تجارت آزاد وجود دارد و این موانع در تجارت مرتبط با کشورهای مختلف با یکدیگر نموده‌های خاصی را نشان می‌دهد. برای مثال اصل دول کامله الوداد، مناطق آزاد

^{۱۰} نگاه کنید به: لوموشینی و سایرین (۱۳۷۷).

^{۱۱} Generalized Systems of Preferences

تجاری، اتحادیه‌های گمرکی نظام‌های تعمیم یافته ترجیحی^{۱۲} (GPS) برای کشورهای در حال توسعه همچنان تبعیض آمیز عمل می‌کنند. همچنین علیرغم اینکه تعرفه‌ها روند نزولی دارند ولی سایر موانع تجاری نظیر سهمیه‌های تعرفه و استانداردهای فنی و بهداشتی رو به افزایش هستند و حمایت از تولیدات داخلی در حال حاضر ناشفافتر عمل می‌نماید^{۱۳}.

در مجموع می‌توان ابراز نمود که موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی عملاً موانع مختلف غیرتعرفه‌ای (NTMs) تجاری را به شکل خاصی از موانع فنی تجارت (TBTs) تبدیل نموده است. به هر حال علیرغم این دیدگاه علی‌القاعده در روند پیوستن به فعالیتهای تجاری جهانی لزوماً حرکت‌های عمده‌ای در جهت تعرفه‌ای کردن موانع غیرتعرفه‌ای باید برداشت.

موانع غیرتعرفه‌ای در بازرگانی خارجی ایران

با توجه به الزاماتی، در مورد کالاهای خاص از ابعاد مختلف بهداشت، استاندارد، اعتقادات مذهبی، ملاحظات اجتماعی و فرهنگی، حمایت از تولیدات داخلی، بازگرداندن درآمد حاصل از صادرات، سیاستهای تنظیم واردات در مقابل صادرات و ... موانع غیرتعرفه‌ای متعددی وضع گردیده که اهم آنها در ایران در زیر آمده است^{۱۴}. لازم به ذکر است که مازاد بر صورت موانع غیرتعرفه‌ای زیر باید بر ماهیت سیاسی برخی موانع غیرتعرفه‌ای نیز اشاره نمود که غالباً در درون تصمیمات مختلف مقطعی ظهور پیدا می‌کند و عملاً سبب ایجاد اختلال در امر واردات یا صادرات کشورها می‌شود. برای مثال تانیهایی که دولتها در مورد متهم به مسموم بودن برخی مواد غذایی کشوری خاص انجام می‌دهند که سبب ورشکستگی صنایع مرتبط با آن کالا در کشور مزبور می‌شود را می‌توان نام برد. برای مثال عدم بهداشتی تلقی کردن پسته و خرمای ایران در کشورهای اروپایی و آمریکا و یا عدم بهداشتی معرفی کردن محصولات کشاورزی ایران در کشورهای حاشیه جنوب خلیج فارس از جمله نمونه‌های بارزی در مورد ایران می‌باشند. تحریم صدور کالا از طریق فشارهای سیاسی بین‌المللی نیز خود طیف وسیعی از تحولات را در بخش بازرگانی خارجی کشورها ایجاد می‌نماید. برای مثال دوران تحریم اقتصادی ایران مخصوصاً در سالهای جنگ ایران و عراق ماهیت این موضوع را روشن می‌نماید. سهمیه بندیهای ارزی خود یکی دیگر از موانعی است که نمی‌توان آن را در غالب موانع تعرفه‌ای طبقه بندی نمود. این سهمیه بندیها عملاً تخصیص واردات را در کشورها به نفع اولویتهای دولت تغییر می‌دهد. وجود نرخهای ارز چندگانه نیز به انحاء مختلف تخصیصهای واردات و صادرات را بر هم می‌زند. گرچه نرخ ارز عملاً از لحاظ عملکرد جزو موانع تعرفه‌ای بوده و غیرتعرفه‌ای نیست ولی اثر بسزایی در بازرگانی خارجی دارد و این اثر در زمان وجود نرخهای چندگانه از شدت اثر بیشتری در تحدید یا تشویق واردات و صادرات برخوردار است. برخی از موانع غیرتعرفه‌ای جنبه بین‌المللی دارد و مورد ایراد نیست مانند رعایت استانداردهای رسمی و بین‌المللی تا جایی که ایمنی و سلامت نیروی کار و مصرف‌کننده مطرح است یا بهداشت و قرنطینه حیوانی و دامی، ملاحظات ایمنی و مذهبی ملی و امنیتی و انرژی اتمی در رابطه با مواد آلوده‌کننده یا مواد پرتوافکن. ولی سایر موانع مثل ممنوعیت یا محدودیت‌ها و مجوزهای ورود، الزامات ثبت سفارش، کارت بازرگانی، عضویت در اتاق بازرگانی، حمل با وسایل نقلیه داخلی، خرید بصورت پیش‌بینی شده و محدودیت و یا

^{۱۲} برای بررسی پیچیدگیها و محدودیتهای آماری مرتبط با اندازه گیری موانع غیرتعرفه‌ای نگاه کنید به: Deardorff (1998).

^{۱۳} نگاه کنید به: Bouet et al (2001).

^{۱۴} نگاه کنید به: بیدآباد (۱۳۷۵).

ممنوعیت به اعتبار مبداء حمل یا ساخت یا هر دو، منوط به منحصرأ استفاده از ارز دولتی، و بسیاری موارد مشابه دیگر می‌باشد. این قبیل موانع عملاً بر روند واردات اثر می‌گذارند و آن را کند می‌کند ولی با توجه به اینکه همواره راه‌های مختلفی برای جبران این محدودیت‌ها در قالب‌های دیگر نظیر واردات از مناطق آزاد و غیره باز می‌شود می‌توان ادعا کرد که این موانع نیز قادر نبوده‌اند در روند واردات ایران تأثیر چندانی گذارند و یا تهدیدی برای آن محسوب شوند. برای بحث بیشتر در مورد چگونگی اثر موانع فنی تجارت (TBTs) بر بازرگانی بین کشورها به Baldwin (2000) مراجعه نمائید.^{۱۵}

پیمان ارزی تقریباً در اکثر سالهای قبل و بعد از انقلاب وجود داشته است. لیکن تفاوتی بین قبل و بعد از انقلاب وجود دارد و این تفاوت، فقدان اختلاف نرخ ارز با نرخ رسمی و حتی در مواردی ارزان‌تر بودن نرخ ارز بازار نسبت به نرخ ارز رسمی در سالهای قبل از انقلاب می‌باشد. علیرغم وجود پیمان ارزی این مانع نتوانسته است تأثیر عمده‌ای در روند بازگشت منابع ارزی بجا بگذارد. در حال حاضر پیمان سپاری ارزی در بازرگانی خارجی ایران حذف شده است.

انواع موانع غیر تعرفه‌ای مذکور در این مقاله لاقلاً در دو الی سه دهه گذشته در اقتصاد ایران مطرح بوده‌اند و بسیاری از آنان نیز در حال حاضر منسوخ می‌باشند ولی از باب جامعیت تحلیلها آورده شده‌اند. گونه‌های موانع غیر تعرفه‌ای^{۱۶} زیر از اهم موانع می‌باشند:

- ۱- محدودیت واردات به اعتبار تولیدات یا محصولات داخلی با هدف حمایت از تولیدکنندگان داخلی.
- ۲- محدودیت واردات به لحاظ مشکلات ارزی و به منظور حفظ تعادل بین واردات و صادرات.
- ۳- محدودیت واردات به لحاظ عدم برخورداری کالا از اولویتهای تعیین شده.
- ۴- ممنوعیت واردات به لحاظ تولید مشابه داخلی به حد کافی.
- ۵- ممنوعیت واردات به لحاظ تجملی یا لوکس بودن یا غیر ضروری بودن کالا.
- ۶- ممنوعیت واردات به لحاظ مبدأ یا به اعتبار کشور مبدأ.
- ۷- ممنوعیت واردات به لحاظ کیفیت کالا (مستعمل بودن کالا) یا (کهنه بودن کالا مثلاً الیاف کهنه).
- ۸- ممنوعیت به لحاظ اغفال خریداران در ارتباط با مبدأ کالا (مثلاً کالاهایی که با علائم تجاری و نام کارخانجات معروف یا کشورهای خاص عرضه می‌شود).
- ۹- ممنوعیت به موجب قوانین خاص.
- ۱۰- ممنوعیتهایی که طبق شریعت مقدس اسلام به اعتبار مصرف کالا وضع شده.
- ۱۱- الزامات قانونی واردات شامل :

- ثبت سفارش کالا در وزارت بازرگانی.
- ثبت سفارش کالا در بانک.
- بیمه باربری نزد شرکتهای بیمه ایرانی.

^{۱۵} نگاه کنید به: Baldwin (2000).

^{۱۶} اقلامی نظیر حقوق و عوارض گمرکی، سود بازرگانی، عوارض ویژه، عوارض شهرداری، عوارض هلال احمر، عوارض شهرداری محل، حق ثبت سفارش، عوارض آسفالت، عوارض هوایی، عوارض بندری، عوارض بهداری، مابه‌التفاوت سازمان حمایت از تولید کنندگان و مصرف کنندگان و نظایر آنان موانع تعرفه‌ای تلقی می‌گردند و همچنین وجوهی که در مقابل خدمات انبارداری، تخلیه، بارگیری، بارچین، بیمه و غیره دریافت می‌شوند ارتباطی با تعرفه‌های گمرکی ندارند و مزد خدمات به حساب می‌آیند. برای شرح بیشتر این موضوع به بیدآباد (۱۳۷۵)، صفحات ۱۱۱-۶۶ مراجعه شود.

- کارت بازرگانی.
- کارت اقتصادی.
- تودیع ودیعه برای واردات.
- الزام به ارائه گواهی بازرسی برای مقامات دولتی نظیر بانکها، وزارتخانه‌های صنعتی و غیره.
- اخذ گواهی استاندارد حسب مورد.
- اخذ گواهی بهداشت حسب مورد.
- اخذ گواهی قرنطینه و غیره حسب مورد.
- رعایت ضوابط بانک مرکزی در ثبت سفارش و موعد گشایش اعتبار و غیره.
- پرداخت حق ثبت سفارش برای واردات به بانک.
- پرداخت حق ثبت سفارش برای واردات به وزارت بازرگانی.
- رعایت روشهای توصیه شده برای واردات از لحاظ تقسیمات :
 - واردات با ارز دولتی (ارز بازرگانی) به نرخهای مقرر شناور، صادراتی و غیره، یا
 - واردات با ارز غیر بازرگانی (واردات بدون انتقال ارز)، یا
 - واردات از محل قراردادهای دولت با کشورهای بیگانه (پایپای قراردادی)، یا
 - واردات بصورت پایپای مرزی (پيله وری)، یا
 - واردات به صورت مبادلات مرزی، یا
 -

۱۲- در رابطه با صادرات، محدودیتها و ممنوعیت به لحاظ زیر وضع می‌شود:

- محدودیت به لحاظ نیاز داخلی.
- محدودیت به لحاظ ممانعت از افزایش قیمتها در داخل.
- ممنوعیت به لحاظ شرعی.
- ممنوعیت به اعتبار قوانین خاص.
- ممنوعیت صدور اشیاء عتیقه و میراث فرهنگی.

۱۳- الزامات قانونی صادرات شامل :

- قیمت گذاری کالای صادراتی توسط کمیسیون نرخ گذاری.
- کارت بازرگانی.
- کارت اقتصادی.
- تودیع پیمان ارزی برای کالای صادراتی.
- رعایت استانداردهای اجباری.
- رعایت بهداشت.
- رعایت مقررات قرنطینه دامی یا نباتی.

۱۴- اخذ مجوزهای ورود یا صدور برای کالای مجاز مشروط.

۱۵- تعیین ارزش کالای ورودی توسط گمرک مبتنی بر معیارهای قانونی تعیین ارزش کالای ورودی در گمرک.

۱۶- تعیین ارزش کالا بدون توجه به مستعمل بودن کالا.

موانع غیرتعرفه‌ای متعددی در ایران بطور مجزا در بخشهای صادرات و واردات صنعت شناسایی شده است. گرچه در سالهای اخیر در جهت مهیا نمودن شرائط الحاق به سازمان جهانی تجارت بسیاری از این موانع غیرتعرفه‌ای حذف شده‌اند ولی این موضوع باعث تغییر در نتیجه‌گیری ناشی از این مبحث در مورد اقتصاد ایران نخواهد شد. این موانع به شرح زیر می‌باشند:

واردات

- ۱- غیرمجاز
- ۲- مجاز
- ۳- مشروط
- ۴- واردات ارزی با ارز بازرگانی (دولتی)
- ۵- واردات غیر ارزی (بدون انتقال ارز)
- ۶- واردات در مقابل صادرات مجاز است
- ۷- حق ثبت سفارش
- ۸- الزامات قانونی (بهداشت، استاندارد، ثبت سفارش در وزارت بازرگانی، ثبت سفارش در بانک، تودیع ودیعه واردات و غیره)
- ۹- ممنوعیت بسیار محدود
- ۱۰- کالای مجاز بسیار محدود
- ۱۱- واردات غیر ارزی محدود به موارد خاص (نظیر آنچه در مقررات سال ۱۳۷۲ (۱۳۷۲/۷/۴) وضع شده و فقط واردات بدون انتقال ارز را محدود به موارد خاص نموده - ماده ۳۸ آئیننامه مقررات صادرات و واردات نیمه دوم ۱۳۷۲)
- ۱۲- واردات در مقابل صادرات محدود به موارد خاص (همانند واردات از کشورهای آسیای میانه در مقابل صادرات کالا به این کشورها)
- ۱۳- واردات ارزی محدود

صادرات

- ۱- مجاز
- ۲- عمدتاً مشروط
- ۳- واردات در مقابل صادرات مجاز است (بدون محدودیت)
- ۴- مجوزهای خاص (استاندارد، بهداشت، ...)
- ۵- واردات در مقابل صادرات بسیار محدود یا منتفی است (همانند کشورهای آسیای میانه)
- ۶- تخفیف در پیمان ارزی (مواردی که تخفیف پیمان از ۱۰٪ تا ۳۰٪ یا بیشتر معمول بوده است)
- ۷- پیمان ارزی
- ۸- قیمت گذاری الزامی است (قبل از صدور کالا توسط کمیسیون نرخ گذاری تعیین قیمت می‌شود)

۹- پیمان ارزی تقریباً صوری است (در مواردی که علی‌رغم اخذ تعهد یا پیمان، به لحاظ عدم ضرورت احراز اعتبار صادراتی بصورت جدی برقرار نبوده ولی در هر حال صدور مجوز یا ادامه صادرات، صادر کننده را موکول به ایفای تعهدات ارزی وی می‌نماید)

۱۰- پیمان ارزی صوری است (پیمان اخذ شده ولی بدون اینکه پشتوانه‌ای برای اطمینان از ایفای تعهد اخذ شود)

۱۱- مشروط

۱۲- غیر مجاز

برای اینکه بدانیم آیا موانع غیر تعرفه‌ای وضع شده محدود کننده یا مشوق بازرگانی خارجی است جهت اثر آنها را از لحاظ کاهندگی یا فزاینندگی صادرات و واردات از بُعد نظری بررسی می‌کنیم. جدول (۱) خلاصه جهت اثر این موانع برای واردات و جدول (۲) همان را برای صادرات نشان می‌دهد.

جدول ۱- جهت اثر موانع غیر تعرفه‌ای بر واردات

جهت اثر بر واردات	مانع غیر تعرفه‌ای واردات
کاهنده (-)	۱. غیر مجاز
افزاینده (+)	۲. مجاز
کاهنده (-)	۳. مشروط
افزاینده (+)	۴. واردات ارزی با ارز بازرگانی (دولتی)
افزاینده (+)	۵. واردات غیرارزی (بدون انتقال ارز)
کاهنده (-)	۶. واردات در مقابل صادرات مجاز است
کاهنده (-)	۷. حق ثبت سفارش
کاهنده (-)	۸. الزامات قانونی
افزاینده (+)	۹. ممنوعیت بسیار محدود
کاهنده (-)	۱۰. کالای مجاز بسیار محدود
کاهنده (-)	۱۱. واردات غیر ارزی محدود به موارد خاص
افزاینده (+)	۱۲. واردات در مقابل صادرات محدود به موارد خاص
کاهنده (-)	۱۳. واردات ارزی محدود

جدول ۲- جهت اثر موانع غیر تعرفه‌ای بر صادرات

جهت اثر بر صادرات	مانع غیر تعرفه‌ای صادرات
افزاینده (+)	۱. مجاز
کاهنده (-)	۲. عمدتاً مشروط
کاهنده (-)	۳. واردات در مقابل صادرات مجاز است
کاهنده (-)	۴. مجوزهای خاص
افزاینده (+)	۵. واردات در مقابل صادرات بسیار محدود یا منتفی است
افزاینده (+)	۶. تخفیف در پیمان ارزی
کاهنده (-)	۷. پیمان ارزی
کاهنده (-)	۸. قیمت گذاری الزامی است
افزاینده (+)	۹. پیمان ارزی تقریباً صوری است
افزاینده (+)	۱۰. پیمان ارزی صوری است
کاهنده (-)	۱۱. مشروط
کاهنده (-)	۱۲. غیر مجاز

جدول ۳- علامت ضریب همبستگی نظری سیاستهای مختلف غیر تعرفه‌ای و تعرفه‌ای در واردات

موانع غیر تعرفه‌ای	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	نرخ تعرفه	واردات حقیقی
۱	۱	-	+	-	-	+	+	+	-	+	+	-	+	+	-
۲		۱	-	+	+	-	-	-	+	-	-	+	-	-	+
۳			۱	-	+	+	-	-	-	+	-	-	+	+	-
۴				۱	+	-	-	-	+	-	-	+	-	-	+
۵					۱	-	-	-	+	-	-	+	-	-	+
۶						۱	+	+	-	+	+	-	+	+	-
۷							۱	+	-	+	+	-	+	+	-
۸								۱	-	+	+	-	+	+	-
۹									۱	-	-	+	-	-	+
۱۰										۱	+	-	+	+	-
۱۱											۱	-	+	+	-
۱۲												۱	-	-	+
۱۳													۱	+	-
نرخ تعرفه														۱	-
واردات حقیقی															۱

حال با توجه به اینکه وضع و یا رفع موانع مختلف غیرتعرفه‌ای آثار مختلفی در جهت افزایش یا کاهش میزان صادرات یا واردات کالا دارد، به این بررسی خواهیم پرداخت که آیا وضع و یا رفع موانع غیرتعرفه‌ای یا افزایش نرخ تعرفه اثرات هماهنگی با یکدیگر در یک بخش دارند یا خیر. به عبارتی دیگر می‌خواهیم بدانیم آیا تشویق صادرات یا تحدید واردات در بخش صنعت با وضع یا رفع موانع غیرتعرفه‌ای مختلف همسو بوده است یا خیر. بیان آماری این مسئله بدین شکل است که همبستگی موانع با سیاستهای مختلف را با یکدیگر ارزیابی نماییم. اگر ضریب همبستگی بدست آمده و مقدار ضریب همسو با جداول (نظری ۳ و ۴) زیر بود می‌دانیم که عملکرد سیاستگذاری همسو و همجهت بوده و سیاستهای دولت در بخش مربوطه در ارتباط با تحدید یا تشویق صادرات یا واردات کالا منسجم عمل کرده است.

از لحاظ نظری علائم همبستگی متقاطع (ضربدری) موانع غیرتعرفه‌ای و تعرفه در بخشهای واردات و صادرات در جداول ۳ و ۴ آورده شده است. این جداول حاصل ضرب بردارهای علامت جداول ۱ و ۲ در ترانسپوز خودش می‌باشد و عنصر زام آن جهت اثر موانع غیرتعرفه‌ای را با مانع ز نشان می‌دهد.

جدول ۴- علامت ضریب همبستگی نظری سیاستهای مختلف غیرتعرفه‌ای در صادرات

صادرات حقیقی	نرخ تعرفه	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	موانع غیرتعرفه‌ای
+	-	-	-	+	+	-	-	+	+	-	-	-	۱	۱
-	+	+	+	-	-	+	+	-	-	+	+	۱		۲
-	+	+	+	-	-	+	+	-	-	+	۱			۳
-	+	+	+	-	-	+	+	-	-	۱				۴
+	-	-	-	+	+	-	-	+	۱					۵
+	-	-	-	+	+	-	-	۱						۶
-	+	+	+	-	-	+	۱							۷
-	+	+	+	-	-	۱								۸
+	-	-	-	+	۱									۹
+	-	-	-	۱										۱۰
-	+	+	۱											۱۱
-	+	۱												۱۲
-	۱													نرخ تعرفه
۱														صادرات حقیقی

برای پیدا کردن همبستگی موانع مختلف غیرتعرفه‌ای و تعرفه در واردات و صادرات صنعتی، موانع سیزده‌گانه واردات و دوازده‌گانه صادرات مندرج در جداول ۱ و ۲ را برای یک دوره ۳۶ ساله برای دو بخش صادرات و واردات بطور مجزا در هریک از زیر بخشهای نهگانه صنعت (در ذیل) بصورت متغیرهای دودویی صفر و یک مورد تعریف می‌کنیم. هرگاه یک مانع از موانع فوق در سال مورد نظر برای زیربخش صنعتی مربوطه وجود داشته باشد مقدار (مشاهده) متغیر مرتبط با مانع مزبور در آن سال را برای زیربخش صنعتی

مربوطه یک و در غیر این صورت مقدار این متغیر برای آن سال صفر در نظر گرفته می‌شود. بدین ترتیب برای هر مانع غیرتعرفه‌ای در صادرات یا واردات ۹ سری زمانی برای هر زیربخش صنعتی براساس طبقه بندی ISIC برای سالهای ۱۳۷۴-۱۳۳۸ تعریف می‌گردد. زیربخشهای صنعت از قرار ذیل هستند:

۱. نساجی، پوشاک و چرم
 ۲. تولید فلزات اساسی
 ۳. محصولات کانی و غیر فلزی
 ۴. شیمیایی، زغالسنگ، لاستیک و پلاستیک
 ۵. غذایی، آشامیدنیها و دخانیات
 ۶. چوب و محصولات چوبی
 ۷. ماشین آلات، تجهیزات، ابزار و محصولات فلزی
 ۸. سایر صنایع تولید
 ۹. کاغذ، مقوا، چاپ و صحافی
- تعریف ریلیضی متغیرها از قرار ذیل می‌باشد:

برای واردات تعریف می‌کنیم:

$$IM_jN_k = \{1, 0 \mid j=1, \dots, 9 \mid k=1, \dots, 13\}$$

اگر مانع غیرتعرفه‌ای k ام در زیربخش صنعتی j ام اتفاق افتاده $IM_jN_k=1$ و در غیر این صورت $IM_jN_k=0$ خواهد بود. برای صادرات تعریف می‌کنیم:

$$EX_jN_k = \{1, 0 \mid j=1, \dots, 9 \mid k=1, \dots, 12\}$$

اگر مانع غیرتعرفه‌ای k ام در زیربخش صنعتی j ام اتفاق افتاده $EX_jN_k=1$ و در غیر این صورت $EX_jN_k=0$ خواهد بود. با برداری کردن (vectorization) داده‌ها بر بخشهای صنعتی متغیرهای زیر تعریف می‌شوند:

$$IMN_k = \{IM_1N_k, \dots, IM_9N_k\}$$

$$EXN_k = \{EX_1N_k, \dots, EX_9N_k\}$$

حال ماتریس‌های همبستگی زیر را محاسبه می‌کنیم:

$$\text{Corr}(IMN_i, IMN_j), i, j=1, \dots, 13$$

$$\text{Corr}(EXN_i, EXN_j), i, j=1, \dots, 12$$

سلولهای این دو ماتریس در جداول ۵ و ۶ برای واردات و صادرات محاسبه و درج شده‌اند. به علت ایجاد اشکال محاسباتی ناشی از عدم تغییر برخی موانع غیرتعرفه‌ای (بالاخص در بخش صادرات) طی دوره فوق، موانعی که در دوره مورد نظر تغییر نداشتند از محاسبات حذف شدند. از لحاظ نظری برخی از موانع غیرتعرفه‌ای که از محاسبات حذف می‌شوند اثرات مختلفی را بر صادرات یا واردات دارند ولی چون در طول دوره مورد نظر همچنان ثابت بوده‌اند نمی‌توان اثر آنها را لااقل در دوره مورد بررسی و با شیوه فعلی بررسی ارزیابی نمود.

با توجه به اینکه اندازه‌گیری اثر کمی موانع غیرتعرفه‌ای ساده نیست، لذا روش ارزیابی را به این شکل ساده نمودیم تا نیازمند وزن برای موانع غیرتعرفه‌ای مختلف نباشد.

جدول ۵، جدول ۳ را از لحاظ عملکرد اجرائی موانع غیرتعرفه‌ای با استفاده از آمارهای جمع آوری شده برای واردات زیربخشهای نهگانه صنعت ارزیابی می‌نماید. علی القاعده برای اینکه سیاستهای بکار گرفته شده موانع غیرتعرفه‌ای در واردات همسو باشند می‌بایست از لحاظ انتظار همسویی سیاستهای وارداتی دولت مندرج

در جدول ۵ با جدول ۳ از لحاظ علامت همسو و رقم همبستگی گزارش شده در جدول ۵ از میزان قابل قبول و نزدیک به یک برخوردار باشد. همین مقایسه را می‌توان در مورد صادرات زیر بخشهای صنعتی از مقایسه جدول ۶ با جدول ۴ انجام داد. بررسی جدول همبستگی سیاستهای غیرتعرفه‌ای واردات صنعتی حاکی از این است که در طی دوره مورد بررسی اکثر موانع غیرتعرفه‌ای وضع یا رفع شده چندان با هم مرتبط نبوده و در بسیاری از حالتها حتی هم جهت نیز نمی‌باشند. به عبارت دیگر بررسی جداول ۵ و ۶ حاکی از عدم انسجام سیاستهای وضع یا رفع موانع غیرتعرفه‌ای بر واردات و صادرات صنعتی می‌باشد. تفسیر جداول به این صورت است که در درجه اول رقم سطر و ستون مربوط به هر دو مانع غیرتعرفه‌ای را انتخاب نموده و عدد سلول مربوطه را بررسی می‌نماییم. این رقم چنانچه نزدیک به یک از لحاظ قدر مطلق باشد نشان دهنده شدت همسویی یا تخالف اثر دو سیاست غیرتعرفه‌ای مورد نظر می‌باشد. علامت این سلول باید با علامت جداول ۳ و ۴ به ترتیب در مورد واردات و صادرات یکسان باشد. در صورت یکسانی، همسویی و در صورت مخالف بودن، تخالف دو سیاست مورد نظر را نشان می‌دهد.

جدول ۵- همبستگی موانع غیرتعرفه‌ای در رابطه با واردات کل صنعت

موانع غیرتعرفه‌ای	1	2	3	4	5	6	8	9	10	11	12	13
1	1.00	-0.06	0.20	0.23	0.24	0.13	0.20	-0.97	-0.26	-0.24	-0.13	-0.23
2		1.00	-0.06	-0.05	-0.07	0.00	-0.03	0.04	-0.27	0.07	0.00	0.05
3			1.00	-0.03	-0.03	-0.02	0.01	0.06	0.02	0.03	0.02	0.03
4				1.00	0.98	0.56	0.00	-0.24	0.04	-0.98	-0.56	-1.00
5					1.00	0.57	0.01	-0.25	0.04	-1.00	-0.57	-0.98
6						1.00	0.00	-0.13	0.02	-0.57	-1.00	-0.56
8							1.00	-0.21	-0.16	0.01	0.00	0.00
9								1.00	0.27	0.25	0.13	0.24
10									1.00	-0.04	0.13	-0.04
11										1.00	0.57	0.98
12											1.00	0.56
13												1.00

جدول ۶- همبستگی موانع غیرتعرفه‌ای در رابطه با صادرات کل صنعت

موانع غیرتعرفه‌ای	1	2	3	5	6	7	9	10	11	12
1	1.00	-1.00	-0.11	0.11	-0.31	-0.12	-0.14	0.15	0.28	0.14
2		1.00	0.11	-0.11	0.31	0.12	0.14	-0.15	-0.28	-0.14
3			1.00	-1.00	0.08	-0.07	0.03	0.04	-0.38	0.04
5				1.00	-0.08	0.07	-0.03	-0.04	0.38	-0.04
6					1.00	0.19	-0.09	-0.11	0.23	-0.10
7						1.00	-0.49	-0.58	-0.35	0.09
9							1.00	-0.05	0.12	-0.05
10								1.00	-0.10	-0.05
11									1.00	0.10
12										1.00

بر اساس جدول ۵، موانع مختلف غیر تعرفه‌ای در واردات چندان هماهنگی با دیگر موانع غیر تعرفه‌ای نداشته و در اکثر اوقات با ضریب همبستگی نظری مندرج در جدول ۳ نیز مطابقت نمی‌کنند. پائین بودن اکثر ضرایب همبستگی، دلالت بر عدم هماهنگی سیاستهای غیر تعرفه‌ای در بخش صنعت می‌باشد. در اکثر اوقات زمانی ضرایب همبستگی بالا می‌باشند که دو مانع از لحاظ تعریفی نقیض یکدیگرند. برای مثال موانع یک (غیر مجاز بودن واردات) و نه (ممنوعیتها بسیار محدود) هر دو از لحاظ تعریف در خلاف جهت هم قرار دارند و ضریب همبستگی آنان به شدت بالا بوده و علامت آن نیز منفی می‌باشد که با جدول ۳ تطبیق دارد. یا به عنوان مثال دیگر از ضریب همبستگی موانع ۵ و ۶ در مورد واردات ارزی و غیر ارزی می‌توان نام برد. باقی ضرایب همبستگی پایین‌تر از حدی است که دلالت بر همبستگی قواعد و مقررات غیر تعرفه‌ای داشته باشد. به عبارت دیگر اکثراً هم، جهت همبستگیها مغایر با جدول ۳ است و هم شدت همبستگیها بسیار پایین بوده و نشان دهنده عدم همخوانی و همسویی قوی سیاستهای موانع غیر تعرفه‌ای می‌باشد. مشابه جدول ۵ جدول ۶ برای صادرات آورده شده است. این جدول نیز همانند جدول ۵ مبین عدم همخوانی و همسویی موانع غیر تعرفه‌ای در بخش صادرات برای صنعت می‌باشد. مشابه این جداول به تفصیل برای زیر بخشهای نه گانه صنعت در گزارش تفصیلی مذکور در قبل آورده شده است. نتایج ریز همه جداول حاکی از نتیجه گیری یکسان می‌باشد.

نتیجه‌گیری

با توجه به ناهمسو بودن موانع غیر تعرفه‌ای در بازرگانی خارجی ایران در بخش صنعت می‌توان گفت که برداشتن این موانع همگی به کارائی بازرگانی خارجی ایران خواهد افزود زیرا همسو نبودن این موانع به معنی داشتن اثرات مثبت و منفی و بر خلاف جهت یکدیگر در اجرای یک نوع سیاست مثلاً تحدید واردات با تشویق صادرات می‌باشند. لذا با توجه به موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت مبنی بر لزوم تبدیل موانع غیر تعرفه‌ای به تعرفه‌ها به نظر نمی‌رسد اشکالات چندانی در جهت حذف موانع غیر تعرفه‌ای بوقوع بپیوندد تا چه برسد به تبدیل آنها به تعرفه‌ها.

تشابه موانع غیر تعرفه‌ای در سایر بخشها با بخش صنعت تعمیم این نتیجه‌گیری نیز را ساده می‌نماید. به عبارت دیگر می‌توان به این نتیجه کلی را هم مد نظر قرار داد که حذف موانع غیر تعرفه‌ای در ابتدا نه تنها اشکالی در تحدید واردات یا تشویق صادرات به عمل نمی‌آورد بلکه با رفع موانع ایجاد شده کارائی نظام تجارت خارجی ایران را بهبود نیز خواهد بخشید. حال چنانچه با روشهای تعرفه‌ای کردن موانع غیر تعرفه‌ای اقدام به برقراری تعرفه بنمائیم قدمی در جهت اعمال نظرات مستقیم سیاستگذار در رسیدن به اهداف تجاری یا حمایتی برداشته شده است. بدین ترتیب گرچه اخیراً اقداماتی در جهت رفع و حذف موانع غیر تعرفه‌ای برداشته شده تا سازگاری مناسب برای تطبیق با موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت ایجاد شود ولی می‌توان با تاکید این بررسی صحت ادامه این سیاست یعنی حذف تقریباً تمامی موانع غیر تعرفه‌ای اقدام نمود.

منابع

- Baldwin, Richard E. (2000), Regulatory protectionism developing nations, and a two-tier world trade system.
- Bora, B., A. Kuwahara, S., Laird, (2002), Quantification of non-tariff measures, Policy issues in international trade and commodities, study series no. 18. United Nations, Trade Analysis Branch, Division on International Trade in Goods and Services, and Commodities, United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD), Geneva, Switzerland. <http://r0.unctad.org/p166/module2002Bangk/Module4/boralairdkuwa.pdf>
- Bosworth, Malcom (1999). Non-Tariff measures as trade barriers: yesterday problem or what? Paper prepared for the OECD workshop with non-member economies on barriers to trade in goods and services in the post-Uruguay round context. Paris, 27-28 September.
- Bouet, A., L. Fontagne, M. Mimouni, X. Pichot (2001), Market access maps: A bilateral and disaggregated measure of market access.
- Deardorff, A., R. Stern (1998), The measurement of non-tariff barriers, OECD, Economic Department Working Papers No. 179, OECD, Washington. http://heiwww.unige.ch/~baldwin/papers/NTBs_brookings_trade_forum00_baldwin.pdf <http://www.cepii.fr/anglaisgraph/communications/pdf/2001/washington/macmaps.pdf> http://www.nuca.ie.ufrj.br/infosucro/biblioteca/negociacoes/Baldwin_regulatory.pdf
- Bidabad, B., N. Kalbasi Anaraki (2004), Effects of Iran's WTO Accession on the cement industry. Effects of Iran's WTO Accession on the cement industry. With co-operation of Nahid Kalbasi Anaraki. European Cement Conference 2004 proceedings, 4th conference and exhibition for the trends, the environment, emissions trading, markets, production and processing technology of cement in Europe, 15-16 March 2004, Barcelona, Spain, pp.3.1-3.8, Pro Publications International Ltd. <http://www.bidabad.com>
- بیدآباد، بیژن (۱۳۸۲)، آثار کمی الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی در بخش صنعت، تهران. <http://www.bidabad.com>
- بیدآباد، بیژن (۱۳۷۵)، طراحی مدل اقتصاد سنجی برای تعیین روند واردات و صادرات در بخش صنعت و ارائه نتایج حاصله. فصل پنجم از: بررسی آثار عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان جهانی تجارت بر بخش صنعت. پروژه تحقیقاتی مشترک توسط اکبر کمیجانی، محمد حسین حکیمیان، تقی ناصر شریعتی، مجید درویش، حمیدرضا اشرفزاده، رضا بنائی، محمدرضا رفعتی، اسفندیار امیدبخش، بیژن بیدآباد، مقتدرالانام روانبخش، عباسعلی اکبریان، مریم رجائیان، مهناز تهرانی، سازمان مدیریت صنعتی. <http://www.bidabad.com>
- لوموشینی، جیانکار، پاتریک لو و الکساندر بیتس، مرلیندا اینکو (۱۳۷۷)، تعرفه‌ها و موانع غیرتعرفه‌ای در سازمان جهانی تجارت، ترجمه توسط احمد یزدان پناه و ابراهیم علی رازینی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- مرکز تجارت بین‌الملل کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد و سازمان جهانی تجارت و دبیرخانه مشترک المنافع (۱۳۷۵)، راهنمای تجاری دور اروگوئه، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۵.